

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرین معروفی

۱۴ دسمبر ۲۰۱۱

فحاشی سیاسی از سکسستان ننگ نامه نویس

به تاریخ پنجم دسمبر باز هم نوشته ای از شخصیت مبارز آقای "موسوی" به جواب شبنامه نویس در پورتال دشمن شکن "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به نشر سپرده شده بود که باز هم با نفرت و انزجار از شبنامه نویس، شروع به خواندن آن نمودم. ایشان هر روزی که به نشر یک بخش از محتوای این ننگنامه می پردازند، می توان هر چه بیشتر به ماهیت پلید و کثیف این انسان بی آرم پی برد. این همه توهین و اهانت در حق زن و آنهم کشاندن پای زیادتر از چهل و دو ملیون زن را به فحشاء که در جامعه المان زندگی می کنند. گسترش چنین شایعات هدفمند علیه مبارز راستین آقای موسوی و زدن مهر فحاشه خانه بر یک جامعه با هشتاد و سه ملیون نفوس آن، جز این که نشأت از سکسستان مغز یک انسان خائن و خودفروخته نماید، دلیل دیگری را نمی توان جست و جو کرد.

با جریحه دار ساختن روحیه زیادتر از ۴۲ ملیون زن که به فحشاء در جامعه المان متهم شدند، می خواهم رکیک ترین کلمات و زشت ترین جملاتی را که از اعماق قلبم بروز می کنند، نثار ننگنامه نویس بنمایم. من که سالهاست با هویت خرده پورژوائی وداع نموده و بر پدیده لیبرالیستی که خرده برژواها آن را در بطن خود پرورش می دهند خط بطلان کشیده ام، به این مفهوم که، آنها از یک جانب از گفتن فحش و ناسزا که به زعم خود شان شایسته قشر خرده بورژوا نیست، به علاوه این که خود را سانسور می نمایند وصیت و نصیحت را در زمینه به دیگران وظیفه پدران خود نیز می دانند و از جانب دیگر این قشر معتاد به احتیاط به اظهارات عناصر جیون و فحاشه های سیاسی وابسته به ارتجاع و امپریالیسم، بر حفظ مقام، حیثیت، محبوبیت و شرافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، گوش فرا می دهند ولی خود را به کری زده و با خونسردی به آن برخورد می نمایند، علیه چنین دسایس و اتهامات نه خاموشی در قاموس راه دارد و نه هم از گفتن کلمات رکیک اباء می ورزم و نه خود را سانسور می نمایم. پس باید گفت که چنین قضاوت خصمانه بیانگر این است:

شبنامه نویس که خود ماهیت سکسستان را در مغزش پرورش داده تا در موقع و شرایط مختلف جهت برآورده شدن منافع مادی و معنوی خود آن را در اختیار امیال استعمار و ارتجاع قرار دهد طوری که از محتوای مضامین شخصیت مبارز محترم آقای "موسوی" می توان استنباط نمود که آن بی شخصیت در زمان قدرتهای حاکمه چه در زمان

حاکمیت قاتلان خلق افغانستان، دهاره های "خلق و پرچم" و چه در دوران خائنین و وطنفروشان شورای نظارو همچنان زیادتیر ازده سال حاکمیت امپریالیسم جنایتگستر امریکا و متحدان جنایتکارش، سکستان مغز خود را در خدمت هریک از اینها قرار داده تا به تبلیغ و ترویج زهرآگین علیه منافع و مصالح خلق ستمدیده و نابودی مبارزان راه آزادی بی درنگ، تیرهای زهرآگین خود را پرتاب نماید.

استعمار در طول تاریخ کوشیده تا افکار عامه را جهت غصب و غارت دار و ندار خلقهای در بند به طرف تسلیم طلبی سوق دهد جهت برآورده شدن این مأمول، می پردازد به خرید عناصر متزلزل و خودفروخته که همکاری با آنها را از هر جهت مهیا می سازد تا آنها زمینه سازیهای تسلیم طلبی را که یکی آن همین شیوه شبنامه نویسی و پخش اتهامات و اراجیف است، روی دست بگیرند. خلاصه دیده می شود که استفاده از سکستان مغز چنین انسانها، قاتلان خلقها هر زمان که خواسته باشند آنها را در اختیار خود قرار می دهند و استفاده از آن جهت اهداف نابود کننده، امریست ناشی از خیانت و خودفروختگی.

نظری به جانب دیگر این مسأله می اندازیم، در حالی که همه ما شاهد اوضاع ناهنجار زیادتیر از سه دهه در کشور ما افغانستان هستیم که امپریالیسم و ارتجاع از هیچ نوع ظلم و ستم و زجر و شکنجه و خشونت و هزاران ناروایی دیگر در حق خلق افغان و به خصوص در حق زنان دریغ نورزیدند، و به خصوص از روحیه و ذهنیت عقب مانده زنان در جامعه، که عامل آن قوانین مذهبی و خانوادگی جامعه مردسالار، عرف و عادات و عنعنات کهنه و پوسیده، شرایط اقتصادی و اجتماعی غیر انسانی می باشد سوء استفاده صورت گرفته و هنوز هم به بدترین وجه ادامه دارد. روی همین کمبودها است که متأسفانه کمتر زنان توانسته اند خود را از بند قیودات اسارتبار جامعه و خانواده آزاد بسازند و این همه ظلم و ستمی که بر زن رفته و هنوز هم می رود، که سنگ را به صدا می آورد ولی هنوز در صدد اند تا صدای زنان را در گلو خفه نمایند روی همین ملحوظات است که ما زنان با وجود همه نارواییها، مورد حملات ناکسانی مثل شبنامه نویس قرار می گیریم و از بی تفاوتی و خاموشی ما جهت برآورده ساختن اهداف کثیف و شوم خود سوء استفاده نموده و در صورتی که برخورد همه جانبه از جانب ما زنان علیه آن اتخاذ نگردد هر چه بیشتر جرأت خواهد نمود که از سکستان مغز بیمار خود طرحهای جدید دیگری را اختراع نماید و این ستم نابخشوندی را باز هم در حق زنان تکرار نموده مضاعف سازند، این انسان بی وجدان با سکستان مغز خود، حتا زمانی را که در جوامع اروپا و امریکا و یا جوامع پیشرفته دیگر زندگی می کنند، هدفمندانه می خواهد زنجیر اسارت را در پای ایشان بندد تا زنان با حفظ همان قید و قیودات ارتجاعی، سلطه فرهنگ کهنه را که همان جهالت، عقب ماندگی و گریز از اجتماع است در خود پرورش دهند و باورمند به این شوند، به طوری که از ترس بدنای حتا حق گذاشتن پای به بیرون از دروازه خانه را از خود سلب کنند و با این طرز تفکر که اگر پا از خانه بیرون گذاشتیم از جانب شبنامه نویس متهم به فحشاء خواهیم شد، نه تنها بر آزادی خود خط بطلان می کشند بلکه سکوت را ترجیح می دهند و درها را هم به روی خود می بندند.

این ابتکار ردیالنه شبنامه نویس به نحوی از انحاء به عقب کشاندن زنان مبارز و فعال سیاسی از صحنه مبارزات است. تا زنان از اشتراک در اجتماع انسانی پرهیز نمایند. در حقیقت با این توطئه ارتجاعی که خواست بادران شبنامه نویس است، نصف جامعه را که زنان اند غرق در سکوت و رکود نماید. اما اینرا باید بداند که این آرزو را با خود در گورستانهای بادران خود خواهد برد ما در این مدت شاهد موقف گیریهای بی باک زنان مبارزی مثل خانم توخی و جمیله جان و خانمهای دیگر هستیم که همه با نفرت و انزجار علیه شبنامه نویس و با پشتیبانی از شخصیت مبارزی مثل محترم "موسوی"، قلم را خنجر نمودند و مغز سکستان شبنامه نویس را هدف قرار دادند.

این رشته سردراز دارد